وکیل شرق

کار و دستمزد بدون قرارداد

سعید دهقان

سال گذشته به دنبال چاپ آگهی یک شرکت، برای استخدام به آنجا مراجعه کردم. قرار شد سه ماه آزمایشی به‌عنوان تایپیست کار کنم و در صورت رضایت مدیران با من قرارداد یک‌ساله منعقد و مرا بیمه کنند. بعد از سه‌ماه کار آزمایشی حدود یک‌سال است که در آنجا بدون هیچ قرارداد کتبی مشغول کار هستم. تاکنون مبلغ ناچیزی با پافشاری و دوندگی از آنها گرفته‌ام. آیا با این شرایط می‌توانم حق و حقوق خود و بیمه‌ام را بگیرم؟

وکیل شرق: متاسفانه شرایط اقتصادی و معضل بیکاری باعث سوءاستفاده برخی کارفرماها می‌شود. اول اینکه بدانید نداشتن قرارداد کار کتبی مانع از حقانیت شما و مطالبه حقوق قانونی در هیات حل اختلاف اداره کار نیست. کافی است به هر طریق قانونی دیگری مانند معرفی شاهد و مدارکی همچون کارت ورود و خروج رابطه کاری خود با کارفرما را ثابت کنید. دوم اینکه حتی اگر از طریق اداره کار به نتیجه نرسیدید می‌توانید با ارائه دادخواست به دادگاه‌های عمومی حقوق قانونی خود را بخواهید دادگاه با احراز رابطه کاری شما با کارفرما و با توجه به نوع کار، مدت و شرایط آن مطابق با مقررات موجود و عنداللزوم نظر کارشناس تصمیم قضایی خود را اعلام می‌کند. بدیهی است در صورت قطعی بودن این حکم و عدم اجرای آن توسط کارفرما اجراییه‌ای صادر و کارفرما ملزم به اجرای آن می‌شود.

■ تعیین تکلیف باغ مشترک

پدر و مادرم هر کدام به نسبت سه دانگ مالک باغی بودند که چند سال بعد از فوت پدرم وراث تصمیم به واگذاری سهم پدرم گرفتند. مادرم هم به این انتقال رضایت داد. پس از تنظیم مبایعه‌نامه و با بروز برخی اختلافات در استفاده از باغ خریدار بخشی از باغ را بدون رضایت مادرم دیوار کشید درحالی که همان موقع معلوم شد مساحت زمین ۲۰۰ متر بیشتر از متراژی است که در سند نوشته شده است. خریدار مدعی است دویست متر اضافه که در بخش مورد تصرف او واقع است به او تعلق دارد. آیا می‌توانست سهم خود را جدا کند و به تصرف درآورد؟ تکلیف مساحت اضافی چه می‌شود؟

وکیل شرق: یادآوری کنم که تصحیح اسناد رسمی تنظیم شده با پیگیری و اقدام مناسب امکان‌پذیر است. دوم اینکه اضافه مساحت به ملک به همه مالکان تعلق دارد و هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند آن را مختص خود بداند. از آنجا که ملک به اصطلاح «افراز» نشده است و به قول معروف مالکیت آن مشاعی است هر دو طرف در تمام آن ملک حق تصرف دارند بدون اینکه کسی مجاز به استفاده اختصاصی از آن باشد. پس بدون توافق شرکا هیچ‌یک نمی‌تواند سهم خود را جدا کند. چرا که ممکن است جداکردن یک بخش از زمین باعث بی‌ارزش شدن یا کم شدن ارزش بخش دیگر شود که هر اقدامی خلاف حقوق مالکان موجب مسئولیت اقدام‌کننده است. در صورتی که ملک مورد نظر دارای سابقه ثبتی و سند رسمی باشد، برای افراز آن و جداکردن قانونی و رسمی هر سه شریک باید به اداره ثبت محلی که ملک در محدوده آن قرار دارد مراجعه کنند. در غیر این صورت یا باید ملک با توافق مالکان تقسیم شود و یا دادگاه در این باره تصمیم بگیرد. با توجه به تراکم دعاوی و پرونده‌ها در دادگاه‌ها و طولانی بودن روند رسیدگی قضایی بهتر است با توافق یکدیگر و مذاکره تکلیف موضوع را معین کنید.

Vakilroboaya@gmail.com

در همایش جرم‌شناسان و مدیران قضایی در دانشگاه شیراز مطرح شد

راهکارهای کاهش جمعیت زندانیان

فروغ بهلولی

بر اساس آمار سازمان زندان‌ها در شش ماهه نخست سال گذشته بیش از ۲۰۰ هزار نفر وارد زندان‌های کشور شده‌اند. در همین ایام نیز ۲۸۰ هزار نفر در موقعیت‌های گوناگون در مراسم عفو با تلاش مسئولان و کمک‌های مردمی از زندان آزاد شده‌اند. متوسط اقامت افراد در زندان برای محکومین ۱۲۲ روز و برای متهمین ۲۷ روز بوده است که در این زمان امکان برنامه‌ریزی جهت اصلاح و بازپروری، اشتغال و آموزش به حداقل می‌رسد. این در حالی است که تصور می‌شود استاندارد ظرفیت مجموع زندان‌های کشور از ۶۰ هزار نفر تجاوز نکند. ضمن اینکه محبوس شدن فرد در زندان سبب گرفتاری خانواده وی نیز می‌شود. اگر برای هر فرد یک خانواده ۵ نفری در نظر بگیریم، طبق آمار بالا در طول سال به صورت گردشی حدود ۲ میلیون نفر درگیر مسائل کیفری می‌شوند. بنابراین بررسی رابطه مدت حبس و مشکلات تحصیلی فرزندان و گرایش به طلاق، جرایم و فساد اخلاقی و در یک کلام میل به ارتکاب بزه در جامعه در ایجاد چرخه بازگشت به زندان‌ها نیازمند تامل و توجه قضات و مسئولان قضایی است. انجمن‌های علمی دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌های تهران و شیراز با این پیش زمینه میزبان شماری از مدیران قضایی و جرم‌شناسان دانشگاهی در همایش «راهکارهای کاهش جمعیت کیفری» در دانشگاه شیراز بودند.

دکتر عباس منصورآبادی در سخنرانی خود با عنوان «حبس راه حل یا مشکل» لزوم بررسی علمی و نظری زندان و توجه به بهینه‌سازی آن را به عنوان فراگیرترین گزینه کیفری یادآور شد و گفت: «حذف صورت مسئله مشکلی را حل نمی‌کند. بلکه باید قبل از مردود شمردن زندان ببینیم آیا از زندان به نحو مطلوبی استفاده می‌شود یا نه؟» این استاد دانشگاه افزود: «در بسیاری از موارد مثل آسیب جسمانی، حبس نداریم و در قانون، جزای نقدی به عنوان مجازات پیش‌بینی شده است. اما در جرایم مالی که باید جزای نقدی در نظر گرفته شود، مجازات حبس پیش‌بینی شده است.» منصورآبادی با بیان اینکه قانونگذار در این باره حرکت منطقی نداشته است و هنوز نمی‌دانیم حبس در نظر بگیریم یا نه، استفاده از راه حل‌های جدید را در چنین شرایطی نشدنی دانست و گفت: «برخی از رفتارها از نظر اجتماعی مخاطره‌آمیز نیستند مثل خرید و فروش کوپن و امثال آن در حالی که جرم تلقی شده‌اند و مجازات حبس دارند اما نمی‌توانند عنوان جزایی داشته باشند.» رئیس گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز حبس را یک مجازات وارداتی و نیازمند بومی‌سازی براساس نیازهای جامعه دانست و افزود: «متاسفانه با وجود این همه اختلاف نظر، مطالعه جدی حتی درباره این که زندان مجازات اصلی باشد یا نه، نشده است. بنابراین نحوه قانونگذاری کیفری و حقوقی ما در این مورد با تردید و تامل مواجه است و باید اصلاح شود.» منصورآبادی گفت: «تدوین‌کنندگان قوانین جزایی فکر می‌کنند با تصویب قوانین آمرانه که مصداق آن قوانین جزایی است می‌توانند جامعه را هدایت کنند. به گونه‌ای که ما در حدود ۱۲۰۰ عنوان جزایی داریم که ۴۰۰ تا ۵۰۰ تای آن مجازات حبس دارند.»

■ نباید همه متهمان بازداشت شوند

دکتر محمد آشوری نیز با تاکید برضرورت تناسب جرایم و مجازات‌ها، جایگاه زندان در نظام تقنین و اهمیت استفاده از جایگزین‌های حبس را در جرایم خرد یادآوری کرد و طرح و بحث در باره مسائل نظام کیفری و حذف بازداشت موقت اجباری را خواستار شد. آشوری گفت: «انطباق هر نوع قرار تامین یا مجازات با شخصیت متهم و مجرم و رعایت شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم ایجاب می‌کند که مقنن به مقام قضایی که مستقیماً با متهمان و مجرمان سروکار دارد اعتماد کرده و او را ازهرگونه تصمیم –ازجمله بازداشت اجباری متهم– که مغایر با تشخیص قضایی خود باشد معاف کند. دکتر آشوری به تمایل قانونگذار مبنی بر افزایش موارد بازداشت موقت در نظام کیفری اشاره کرد و افزود: «صرف نظر از اینکه در سطح بین‌المللی و در کشورهای دارای نظام جزایی پیشرفته، بازداشت موقت اجباری حذف شده است در عمل نیز معقول نخواهد بود که مقنن خلاف دوره قانونگذاری مثلاً مجاز به الزام بازپرس برای بازداشت موقت یک جراح باشد – که هیچگونه بیم فرار یا تبانی او وجود ندارد. و زندانی کردن او ممکن است جان چندین بیمار منتظر جراحی را در بیمارستان به مخاطره اندازد.» رئیس موسسه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران گفت: «اگر مقنن خود به روش‌های مختلف موجبات افزایش جمعیت کیفری را فراهم کند نباید متعجب شد که به‌رغم بخشنامه‌های متعدد قوه قضاییه روز به روز بر تعداد زندانیان افزوده شود.» دکتر آشوری به تصویب کلیات لایحه مجازات‌های اجتماعی (جایگزین) اشاره کرد و با بیان اینکه امروزه حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی هم زندان قابل حذف نیست درباره ضرورت استفاده از زندان برای محبوس ساختن مجرمان خطرناک سخن گفت. این استاد دانشگاه زندانی کردن جوانان، نوجوانان و حتی بزرگسالان در جرایم خرد و کم‌اهمیت را با توجه به آثار زیان‌بار زندان برای جامعه مضر توصیف کرد و اجرای موفقیت‌آمیز مجازات‌های جایگزین را موکول به فراهم شدن زمینه مناسب برای آن دانست. وی توسعه نهادهای مددکاری را شرط ضروری موفقیت مجازات‌های اجتماعی دانست و گفت: «باید به دو نکته توجه کرد؛ اول اینکه باید ضرورت توسل به جایگزین‌ها برای قضات محترم دادگاه‌ها و دادسراها تبیین شود. زیرا در شرایطی که دست قضات حتی برای صدور قرار تعلیق توسط مقنن بسته است، توسل به مجازات‌های جایگزین به راحتی ممکن نیست. نکته دیگر اینکه فرهنگ‌سازی و آشنا کردن مردم با این نوع مجازات‌ها ضروری است. چرا که مردم حتی برای جرایم بسیار کوچک به کمتر از زندان راضی نمی‌شوند و چه‌بسا به قاضی محترمی – که به‌رغم محدودیت‌های موجود در زمینه تعلیق مجازات، به صدور حکم تعلیقی مبادرت کند– به دیده تردید بنگرند چون خواسته است مجرم را از مجازات برهاند.»

■ آنها که نباید به زندان بروند

دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی سخنران بعدی این همایش با ذکر معضلات و مشکلات بهداشتی و اقتصادی زندان گفت: «نتیجه تحولات کیفری زیر سئوال رفتن زندان است. چرا که امروزه زندان علاوه بر هزینه‌های اقتصادی، هزینه‌های سیاسی نیز دارد و در روابط بین دولت‌ها حقوق بشر معیار و چوب‌خطی است برای قضاوت درباره کارنامه دولت‌ها. بنابراین هر قدر حقوق کیفری و آئین دادرسی کیفری یک کشور خشن و تند باشد آن دولت در کارنامه خود کاهش امتیاز خواهد داشت.» این جرم‌شناس افزود: «در بعضی از کشورها بحث خصوصی‌سازی زندان‌ها مطرح شده است. یعنی دولت‌ها اداره زندان را هم تصدی‌گری به حساب آوردند و به بخش خصوصی دادند که البته این از نظر حقوق عمومی قابل ایراد است. چرا که اجرای مجازات بخشی از اعمال حاکمیت است و حاکمیت دولت با این کار زیر سئوال می‌رود.» وی با تفکیک جمعیت کیفری به ۴ نوع زندانی شامل ۱– متهمین– ۲– محکومین به حبس(زندانیان واقعی) –۳– محکومین به مجازات‌های دیگر که در انتظار مجازات اصلی در زندان نگهداری می‌شوند و ۴– محکومین مالی که آنها را مجرم ندانست اشاره کرد و گفت: «به موجب ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که کشور ما هم به آن پیوسته است، زندان به عنوان ضمانت اجرای عدم انجام تکالیف قراردادی ممنوع و نقض حقوق بشر است. در حالی که عده‌ای بابت مهریه، دیه و دیگر مطالبات مالی در زندان نگه‌داری می‌شوند اما مرتکب جرم نشده‌اند. این نقض غرض نیست!؟» وی اشکال غلبه این تفکر که اگر زندان را برداریم هیچ بدهی وصول نمی‌شود متوجه اخلاق حاکم بر جامعه دانست و گفت: «قانونگذار اوایل انقلاب زندان مربوط به بدهی را حذف کرد و مردم عادت کردند که بدون توسل به خشونت بدهی خود را بدهند.»

■ کارآمدی زندان زیر سئوال است

مدیرکل زندان‌های استان فارس نیز گفت: «ما با کمبود فضا برای نگهداری زندانیان مواجهیم و کارآمدی زندان و بهره‌وری آن زیر سئوال رفته است.» ناصر جعفرقلی افزود: «بسیاری از قاتلان حرفه‌ای همین مددجویان کانون‌های اصلاح و تربیت و زندان‌ها بوده‌اند و سپس تبدیل به افرادی مثل بیجه و... شدند.» جعفرقلی ابراز امیدواری کرد که ۹۶ درصد از مواد قانون مجازات با لایحه جدید زندان‌زدایی شود.

■ کاهش تعداد زندانیان امکان‌پذیر است

در ادامه این همایش نایب رئیس کانون اصلاح و تربیت شیراز به ۴برابر شدن جرایم مردان و ۸برابر شدن ارتکاب جرم زنان اشاره کرد و گفت: «با احتساب شش هزارتومان هزینه روزانه نگهداری هر زندانی که به یکصدو هشتادهزار تومان در ماه می‌رسد و با احتساب میانگین ۳ماه اقامت زندانیان، به طور متوسط برای هر زندانی ۵۴۰هزارتومان هزینه می‌شود.» ژاله شهیدی‌زاده با تاکید بر جرم زدایی از اعتیاد، نگهداری زندانیان معتاد را فاقد عقلانیت اقتصادی دانست. وی با اشاره به تشدید مجازات متهمان مرتبط با مواد مخدر در مقررات جدید درباره عوامل افزایش جمعیت کیفری گفت: «جرم انگاری‌های نسنجیده مثل جرم دانستن اعتیاد و عدم تناسب مجازات و شدت آنها به گونه‌ای است که به راحتی برای مقادیر اندک مواد مخدر مجازات‌های شدید اعدام، حبس ابد، حبس‌های طولانی‌مدت و جزای نقدی سنگین تعیین شده است.» وی با یادآوری انباشته شدن زندان‌ها از محکومان مواد مخدر افزود: «معلوم نیست که با یک گرم اضافی چه خطری متوجه جامعه می‌شود که یک باره مجازات از ۱۵ سال به حبس ابد افزایش می‌یابد.» وی با اشاره به ورود سالانه ۶۰۰ هزار نفر به زندان‌ها، میانگین مدت ماندگاری برای محکومین را۴ ماه و برای متهمین را ۲۱ روز اعلام کرد و گفت: «۵۰درصد ورودی‌ها به زندان کمتر از ۱۱روز و ۱۴درصد آنها کمتر از ۲۰روز در زندان اقامت داشته‌اند. به عبارت دیگر ۶۴درصد ورودی‌های به زندان کمتر از ۲۰روز در زندان اقامت داشته‌اند.» شهیدی‌زاده با بیان اینکه ۲۸درصد از جمعیت کیفری یعنی حدود ۱۸۰ هزار نفر با قرار کفالت وارد زندان شده‌اند افزود: «قرار کفالت بعد از قرار وجه التزام و در زمانی صادر می‌شود که متهم جرم سنگینی مرتکب نشده است. اگر بتوانیم اینها ظرف ۲۰روز وارد زندان نشوند، ۳۰۰درصد ورودی‌ها کاهش می‌یابد.»

■ ارزش جرایم یکسان نیست

اما معاون مرکز توسعه قضایی قوه قضاییه نیز با سخت توصیف کردن ارزیابی اثربخشی مجازات‌ها گفت: «اینکه در ادبیات حقوقی ما مبنای ارزیابی مجازات‌ها و حتی زندان تکرار جرم است بسیار اشتباه است. چرا که در این فرض ارزش تمام جرایم یکسان خواهد بود». دکتر محمد فرجی‌ها بر چندجانبه بودن ارزیابی اثر مجازات‌ها تاکید کرد و افزود: «ارزیابی‌ها باید همه اهداف مجازات‌ها را دربر بگیرد و بدون نتیجه‌گیری منفی یا مثبت فقط مشخص کند که چه نوع مجازات با چه نوع جرمی تناسب دارد.»

■ کودکان را به زندان نفرستید

فریده غیرت نیز به عنوان آخرین سخنران ضمن تشریح موضوع مسئولیت کیفری اطفال در ایران نسبت به تعیین مجازات حبس برای اطفال هشدار داد و گفت: «در خصوص کودکان باید به فکر اصلاح آنان بود نه تنبیه. چرا که زندان مکان مناسبی برای بازپروری اطفال و تنبیه آنان نیست.» این وکیل دادگستری با تاکید بر استفاده از انجام خدمات عام‌المنفعه، حبس در منزل و یا الزام به آموزش حرفه‌ای خاص به کودکان مجرم افزود: «سپردن کودکان خاطی به کانون اصلاح و تربیت که خود نوعی زندان است راه انجام خطای مجدد را نمی‌بندد.» عضو هیات مدیره انجمن دفاع از زندانیان با تصریح به جلوگیری از ورود نوجوانان به زندان و اماکن مشابه بر بازپروری آنها تاکید کرد.»

گزارش خبری

اصرار در اجرای ماده ۱۸۷ برنامه سوم پاسخگویی به نیازها نیست

ایسنا: رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز با بیان این که هرگونه قانونگذاری که مخدوش‌کننده استقلال کانون‌های وکلا و وکلای دادگستری باشد به اعتبار قوه‌قضائیه لطمه خواهد زد، گفت: «برپایی ماجرای ماده ۱۸۷ و اصرار در ادامه اجرای آن را نه در راستای پاسخگویی به نیازها بلکه با انگیزه‌های دیگری باید دانست.» وی همچنین حاصل حذف آزمون ورودی کانون وکلا را – چنان‌که با ارائه راهکار کارشناسی شده و تفصیلی توام نباشد– جز هرج و مرج ندانست. بهمن کشاورز خاطرنشان کرد: «صرف وجود چنین طرحی در مجلس، خود به علت پایان مدت برنامه، قابل اجرا نیست؟ وگرنه تقدیم طرحی به منظور ادامه حیات آن چه لزومی داشت؟!» وی ادامه داد: «ثانیاً در مورد طرح دائمی کردن اجرای ماده ۱۸۷ گفتنی است این ماده مرجع صدور پروانه مشاوره را قوه‌قضائیه قرار داده است که این قوه مسئول تربیت قضات، فصل ترافع، تعقیب و مجازات مجرمان است و در مورد تربیت وکیل – که مباشر امر دفاع است – وظیفه و اختیاری ندارد و نظر به اینکه سیطره قوه‌قضائیه بر افراد و سازمانی که عهده‌دار دفاع از حقوق مردم هستند این افراد و نهادها را در موضعی قرار می‌دهد که آزادی دفاع، مخدوش خواهد شد و با توجه به اینکه یکی از ارکان (دادرسی عادلانه) که از مسلمات اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین است، حضور وکیل در رسیدگی‌ها به منظور حفظ حق دفاع متهم است و با عنایت به اینکه منظور از وکیل مدافع چنان وکیلی است که ویژگی‌ها و مشخصات او بر مشخصات مندرج در بیانیه سازمان ملل متحد در هاوانا درخصوص مورد، منطبق باشد و آزادی و آزادگی یکی از ویژگی‌های اصلی وکلای مدافع مورد نظر اعلامیه هاوانا است، به نظر می‌رسد هرگونه قانونگذاری که مخدوش‌کننده استقلال کانون‌های وکلا و وکلای دادگستری باشد به اعتبار قوه‌قضائیه لطمه خواهد زد و چنین سازمانی و افراد وابسته به آن مقبولیت جهانی پیدا نخواهند کرد و چنین حالتی در روزگاری که همه کشورها به سوی جهانی شدن می‌روند غیر قابل قبول و مخرب است.» کشاورز عنوان کرد: «همین‌جا توضیح می‌دهم که کانون‌های وکلا بدون تحمیل کوچکترین هزینه به خزانه دولت، طی پنجاه و چند سال گذشته تربیت وکلا را – به تعدادی که مورد نظر سازمان قضایی بوده و نه تعدادی که خود می‌خواسته است – برعهده داشته‌اند و می‌توانند به همین نحو به ایفای این نقش ادامه دهند؛ یادآوری می‌کنم موضع ملال‌انگیز اکثریت داشتن نمایندگان قوه‌قضائیه را در کمیسیون تعیین تعداد وکلا.» وی تاکید کرد: «به این ترتیب برپایی ماجرای ماده ۱۸۷ و اصرار در ادامه اجرای آن را – حتی با تفسیر به رای قانون و به عبارت بهتر با نادیده گرفتن قانون – نه در راستای پاسخگویی به نیازها بلکه با انگیزه‌های دیگری باید دانست.» رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز، افزود: «آنچه مسلم است در مورد دائمی شدن ماده ۱۸۷ نظر تخصصی مرکز پژوهش‌ها جلب شده که منفی بوده است و بحث حذف آزمون را هم برای ورود به کانون وکلا برای اولین‌بار است که شنیده‌ام. اینکه کمیسیون حقوقی و قضایی در زمان رسیدگی به مسائل مربوط به وکلا و وکالت جلب نظر کانون‌های وکلا را ضروری نمی‌دانند، درخور تامل است.»